



## بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مکه‌ی مکرمه و دیگر اقشار مختلف مردم - 6 / تیر / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

این روزها برای ملت ایران، روزهای مصیبت‌های بزرگ است. چه مصیبت‌هایی که در سال‌های گذشته، بر این ملت شجاع و ایثارگر و مظلوم واقع شد، مانند مصیبت فقدان شهدای عالی‌قدر هفتم تیر؛ آن عزیزانی که هرکدام در انقلاب، شخصیت ممتازی بودند و شخصیتی مثل شهید مظلوم، مرحوم آیه‌الله بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) در میان آنها بود که حقا سید شهدای انقلاب اسلامی است و چشم و چراغ این انقلاب و این ملت بود، و چه شهدای مظلوم و کبوتران خونین بال حریم امن الهی در مکه که باز این روزها، یادآور مظلومیت و مصیبت آنهاست. اینها یاد‌های گذشته است که البته فراموش نشدنی است.

این روزها هم مصیبت بزرگ زلزله - این امتحان دشوار الهی - برای ملت ایران پیش آمد که حقیقتا داغ کودکان و زنان و مردان و نفوس طیبه‌یی که در این حادثه از بین رفتند، خانمانه‌هایی که ویران شد و آرزوهایی که بر باد رفت، از یاد این ملت زدوده نخواهد شد. مصیبت زلزله، حقیقتا مصیبت بزرگی است. در يك لحظه، دهها هزار انسان کشته شدند و دهها هزار خانواده داغدار گردیدند و انسان‌های بی‌شماری، بی‌خانمان شدند. چه قدر افرادی بودند که در این مصیبت، از خانواده‌ی خود، برادرانی، خواهرانی، پدر و مادری، فرزندان و عزیزانی را از دست دادند. اینها مصیبت‌های الهی است. اینها حوادث تلخ زندگی است. اینها، حوادثی است که عواطف انسانی را متأثر می‌کند، دلها را می‌سوزاند، برای انسانها غم به وجود می‌آورد و احساسات را جریحه‌دار می‌کند.

تقریبا همه‌ی انسانها، در این جهت مثل هم هستند که این‌طور حوادث، دلها و عواطف آنها را جریحه‌دار می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ اما انسانها از لحاظ فهم این حوادث، با هم متفاوتند. زلزله را همه می‌بینند، تلخی آن را حس می‌کنند، مصیبت را با وجود خودشان لمس می‌نمایند؛ اما خلیه‌ها حادثه را درست نمی‌فهمند، درس نمی‌گیرند، از حادثه منتفع نمی‌شوند و استفاده نمی‌کنند؛ ولی بعضیها از حادثه استفاده می‌کنند و از آن درس می‌گیرند. تلخی، برای آنها هم هست؛ اما این تلخی، با آن تلخی متفاوت است. این‌طور حوادث، برای بعضی زهر و سم است؛ ولی برای بعضی داروی تلخ است. در هر دو مورد، تلخی هست؛ اما بعضیها حادثه را طوری می‌فهمند و به گونه‌یی با آن برخورد می‌کنند که برای آنها سم قاتل می‌شود. بعضیها هم این حادثه را طوری می‌فهمند و طوری با آن برخورد می‌کنند که برای آنها دواي درمانبخش می‌شود؛ اگرچه باز هم تلخ است.

اسلام به ما تعلیم می‌دهد که این حوادث چیست. یا بهتر بگوییم، اسلام به ما تعلیم می‌دهد که با حوادثی از این قبیل، چگونه باید رفتار کرد و چه‌طور باید با آنها روبه‌رو شد. فرق نمی‌کند، هم حوادث تلخ طبیعی - مثل زلزله، سیل و از این قبیل - و هم حوادث تلخی که به وسیله‌ی انسانها به وجود می‌آید - مثل جنگها، قتل‌عامها، کشتارها - حوادث است. اسلام، همه‌ی این حوادث را با يك دید نگاه می‌کند. "و ما ارسلنا في قريه من نبي الا اخذنا اهلها بالباساء والضراء": ما همه‌ی کسانی را که به رسالت الهی مخاطب شدند و بار مسؤولیت بر دوششان قرار گرفت، با این‌گونه حوادث مواجه می‌کنیم. هم با حوادثی از قبیل جنگ - حوادثی که به دست انسانها به وجود می‌آید - و هم با حوادث طبیعی، مثل گرسنگیها، مرگ و میرها و از این قبیل مواجه می‌کنیم. چرا؟ "لعلهم يضرعون". این حوادث، باید انسان را به خدا نزدیک و آشنا کند و دل او را به خدا متوجه نماید. در آیه‌ی سوره‌ی انعام هم همین‌طور خداوند متعال خطاب به نبي اکرم می‌فرماید که قبل از تو، همه‌ی این امتها و جمعیت‌هایی که دین بر آنها نازل شد و مسؤولیت بر دوش آنها قرار گرفت، با این‌گونه حوادث مواجه شدند.

این حوادث، امتحان و ابتلاست. امتحان، بدین معنا نیست که يك آزمایش است تا خدا ما را بشناسد؛ یا يك



آزمایش است که ما خودمان، خودمان را بشناسیم - هیچ کدام از اینها نیست - بلکه امتحان، عبور از یک مرحله و مواجه شدن با یک بار سنگین است. امتحان، یک گردنه در یک مسیر است. یا شما از این گردنه عبور خواهید کرد، یا پشت گردنه خواهید ماند؛ از این دو حال، خارج نیست. مصایب دنیا، در حکم بارهائی سنگینی است که بر دوش شما قرار می‌گیرد. یا این بار را بلند خواهید کرد - این بار، کمر شما را نخواهد شکست - یا زیر این بار، درمی‌مانید و عاجز می‌شوید. از این دو حال، خارج نیست. خدای متعال، امتحانها را بر سر راه افراد و ملتها قرار می‌دهد، تا این ملتها این بارها را بردارند، از این گردنه‌ها عبور کنند و به این وسیله، به مقامات عالی برسند و در جایگاه شایسته و مناسب خود قرار بگیرند. به حوادث، با این دید نگاه کنید.

وقتی حادثه‌ی زلزله برای کشور و ملتی پیش می‌آید، این ملت با این حادثه چگونه برخورد خواهد کرد؟ یا همه‌ی آحاد ملت، از این گردنه‌ی سخت عبور می‌کنند و این داروی تلخ را می‌نوشند، یا پشت این گردنه می‌مانند. این سرنوشت‌ساز است. اگر از این گردنه، بسلامتی عبور کردید، برنده هستید و به سرمنزل خواهید رسید. اگر شما که مصیبت‌زده‌ی حادثه هستید، توانستید صبر کنید؛ دل را به خدا متوجه نمایید؛ از خدا پاداش بخواهید؛ با ذکر و یاد الهی، مصیبت را بر جان و قلب خود گوارا کنید؛ شما که خانه و کاشانه‌تان، در این حادثه ویران شده است، اگر توانستید همت کنید، تا با عزت و کرامت، این خانه را دوباره بسازید؛ زندگی را به راه بیندازید؛ از این حادثه، درس عبرت بگیرید؛ به قدر لازم، محکم کاری بکنید؛ از این گردنه، بسلامت عبور کرده‌اید.

اگر شما ملت - که این حادثه در میانتان اتفاق افتاده است - توانستید تعاون و همکاری کنید، مهربانی و دلسوزی کنید، از مال و نیروی بازویتان استفاده کنید، با نظم و انضباط و سرعت و چابکی و فداکاری، به یاری هموعانتان بشتابید و مصیبت را بر مصیبت‌زدگان هموار کنید، از این گردنه بسلامتی عبور کرده‌اید. اگر این حادثه موجب بشود که از آن درس بگیریم، خودمان را مجهز کنیم، روشهائی مقابله‌ی با حوادث طبیعی را یاد بگیریم و به کار ببندیم؛ از این گردنه بسلامتی عبور کرده‌ایم، از آن درس گرفته‌ایم و سود برده‌ایم.

اما اگر خدای نکرده، حادثه‌ی مثل زلزله، موجب بشود که ما مایوس بشویم، از کار وامانده بشویم، به یاری هموعانمان نرویم، از حادثه درس نگیریم، چشم به کمک دیگران بدوزیم، بنشینیم تا دیگران برای ما کار بکنند - چه دیگرانی از میهن خودمان، چه دیگرانی از سایر نقاط عالم - اگر این حادثه، به ما و به مصیبت‌زده، تنبلی و بددلی و عدم تحرك لازم ببخشد، از این حادثه ضرر کرده‌ایم و این حادثه به ضرر ما تمام شده است. بعضی از ملتها، از حوادث تلخ، نردبانی برای صعود و عروج می‌سازند. بعضی از ملتها، در حوادث شیرین هم، گاه لغزش پیدا می‌کنند و سقوط می‌کنند. اینها همه درس است. این درسی است که اسلام به ما می‌دهد.

حوادثی هم که به وسیله‌ی انسانها تحمیل می‌شود، همین‌طور است. اگر ملت ما، در مقابل حادثه‌ی مثل حادثه‌ی هفتم تیر، یا حادثه‌ی فاجعه‌آمیز مکه، دل خود را از دست می‌دادند، خود را می‌باختند، مایوس و پشیمان و مرعوب می‌شدند، یقیناً باخته بودند و آن حادثه، سم مهلك می‌شد. اما وقتی ملتی، در مقابل حادثه‌ی هفتم تیر، از خود جرأت و آگاهی و شجاعت نشان داد؛ زبان گویای او، دشمن را رسوا کرد؛ بازوی توانای او، دشمن را به زانو درآورد؛ استحکام پایه‌ی نظام را بیشتر کرد و انسجام در میان ملت پیش آمد، این ملت برنده است. و ملت ما، در همه‌ی این حوادث نشان داده که از آن نوعی است که خدا اراده کرده و خواسته است. آفرین بر این ملت!

در آن حوادث تلخ - در حادثه‌ی جنگ، در حادثه‌ی هفتم تیر، در حادثه مکه و جمعه‌ی خونین - و در حوادث گوناگون دیگر، ملت ما نشان داد که در مقابل حادثه، ذلیل نشده است؛ بلکه بر حادثه سوار شد، از حادثه به عنوان یک درس استفاده کرد، دشمنش را شناخت و فهمید که استکبار جهانی و نفاق خبیث، تا کجا با اسلام و قرآن و حاکمیت اسلامی، معارض و مخالف است. ملت ما، در حوادث گوناگون این یازده سال، بدون استثنا ایستادگی و مردانگی کرد، آگاهی نشان داد و حادثه را به سود خود تغییر داد.



این حادثه‌ی زلزله هم، همین‌طور است. الان مردم ما نشان می‌دهند و ثابت می‌کنند که این حادثه، نمی‌تواند آنها را خاضع و ذلیل کند؛ آنها حادثه را ذلیل کرده‌اند. درست است که در این حادثه، داغ‌های زیادی بر دل ما نشست؛ درست است که عزیزانی از دست رفتند و خانواده‌های بی‌شماری داغدار شدند؛ اما حرکت ملت ایران، حضور قوی و قاطع نیروهای ملت در صفوف همکاری و کمک به مصیبت زدگان، برای ملتهای دیگر یک درس است و نشان دهنده‌ی عظمت ملت ما می‌باشد.

همان نیروهایی که در میدان جنگ بسیج می‌شدند - همان خانواده‌ها، همان جوانان، همان مردان و زنان - امروز هم بسیج شده‌اند. امروز هم در این سطح وسیع زلزله و منطقه‌ی آسیب‌دیده، اینها هستند که به یاری هموعانشان شتافته‌اند. من از یکایک آحاد ملت‌مان تشکر می‌کنم. از یکایک کسانی که در این حادثه، به یاری مصیبت‌زدگان شتافتند، عمیقا و صمیمانه سپاسگزار می‌کنم.

البته این حادثه، آن قدر بزرگ بود که دنیا را به خود متوجه کرد. امروز، موج عظیمی از عواطف انسانی در سراسر دنیا، در میان آحاد مردم، انجمنهای انسانی و سازمانهای مردمی، به وجود آمده است. مردم کشورهای مسلمان در آسیا و سایر نقاط، به صورت خودجوش احساس مسؤولیت کردند، تا در این حادثه، به یاری برادران مسلمان عزیزشان بشتابند. دولتهای بسیاری - چه اروپایی و چه آسیایی - در این حادثه به کمک ملت ایران شتافتند و احساس عظمتی را که از ملت ایران، در دل‌های مردم و دولتها و دولتمردان وجود دارد، مجسم کردند. شما ملت ایران در این یازده سال، از خودتان احترام زیادی در دل‌های همه‌ی مردم دنیا به وجود آوردید. ملتی با این عظمت، با این شجاعت و با این استقلال زندگی بکند، شوخی نیست. والله که دشمنان شما هم در دل، به عظمت شما اعتراف دارند. وقتی این ملت بزرگ و شجاع و قهرمان، با حادثه‌ی تلخ بزرگی، این‌طور روبه‌رو می‌شود، دنیا تکان می‌خورد و دولتها و ملتها، در صحنه‌ی مددکاری حاضر می‌شوند، که ما از همه‌ی آنها تشکر می‌کنیم. البته کمکهایی که از اطراف دنیا به ملت ایران می‌شود، در مقابل آن چیزی که خود ملت و دولت ما انجام داده‌اند و خواهند داد، جزء کوچکی است. خود شما هستید که باید این ویرانی را به آبادانی تبدیل کنید. خود شما هستید که باید زندگی را بار دیگر به شکل پرتپش‌تری، در این مناطق به وجود بیاورید و به زخمهای مصیبت‌دیدگان، مرهم بگذارید. کمکه‌های انسانی دیگران هم، در حقیقت حرکت رمزی و یک اظهار ارادت به ملت ایران است. امیدواریم که خداوند متعال، این ملت بزرگ را در مقابل این حوادث، آبدیده‌تر از گذشته بکند. شما ملت عزیز، در حوادث یازده ساله، حقیقتا آبدیده شدید. لذا در همین حادثه، چگونگی حضور نیروهای ما، این سازماندهی منظم، این حرکت سریع، این امداد و تعاون - که باز هم باید ادامه پیدا بکند - برای بینندگان خارجی، اعجاب‌آور است. کمک به مناطق زلزله‌زده، نباید قطع بشود. البته نوع کمک، متفاوت است. در روزهای اول، نجات جانها، پرکردن شکمها و رفع حوایج ضروری مطرح است. هرچه می‌گذرد، حوایج و نیازهای آن مردم، شکلهای دیگر و متنوع‌تر و انسانیت‌ر و پیچیده‌تری می‌گیرد و دولت و ملت باید به این کمکه‌ها ادامه بدهند.

من از دولت محترم جمهوری اسلامی، به خاطر سرعت عملش در این حادثه، از هلال احمر جمهوری اسلامی، از نیروهای مسلح، از دستگاههای مختلف - که خوب حرکت کردند و به وقت، خودشان را خوب رساندند - و از آحاد مردم باید صمیمانه تشکر کنم. حقیقتا آنچه که امروز مشاهده می‌شود، یادآور حضور عظیم و بسیج عمومی مردم در روزهای جنگ تحمیلی است.

این انقلاب، چون با نام خداست، همیشه با شیطانها مواجه است. چون معتقد به طرفداری از مستضعفان و مظلومان است، همیشه با قلدان و زورگویان و مستکبران، دست‌به‌گریبان است. چون برای ارزشهای انسانی حرکت می‌کنید، همیشه کسانی که با ارزشهای انسانی مخالفند، از شما ناراضیند. باید شما آبدیده باشید. باید شما روحا و قلبا مجهز باشید.



این ملت، پرچم عظیمی را در دست دارد. این پرچمی که شما به اهتزاز درآوردید، دنیا را بیدار کرده است. ببینید امروز در فلسطین، چه خبر است. ببینید در شمال آفریقا، چه خبر است. ببینید چگونه اسلام در جوامع اسلامی، حق خود را باز می‌یابد و به دست می‌آورد. این کارها را شما کردید.

در مقابل فرهنگ کفر و استکبار، مسلمین را ضعیف بار آورده بودند که احساس ضعف می‌کردند. در جاهایی که امروز میلیونها مسلمان توانسته‌اند سهم و حقی در حکومتها به دست بیاورند، تا قبل از انقلاب اسلامی، کسی جرأت نمی‌کرد دم از اسلام بزند. در این کشورهای اسلامی که امروز ائمه‌ی جمعه و جماعاتشان، تشکیلات به وجود می‌آورند و مسجدها رونق پیدا می‌کنند و کانون تحریک می‌شوند، تا دیروز مسجدها متعلق به یک مشت پیرمرد از کار افتاده بود. امروز آن مسجدها، جای جوانان و کانون جنبشهاست. این را شما کردید. این را حرکت شما و قائد عظیم‌الشأنتان - آن مرد الهی - بود که انجام داد.

برای همین است که دشمنان اسلام، از شما عصبانند. "ولن ترضی عنک الیهود و لالنصارى حتی تتبع ملتهم". تا از اسلام دست برندارید، دشمنان اسلام با شما مخالفند. منتها نکته‌ی بی که در این جاست، این است که دشمن می‌خواهد بگوید اگر من با کسی مخالف بودم، او باید از بین برود! این را به ملت‌های ضعیف باورانده بودند. حالا عکسش ثابت می‌شود و معلوم می‌گردد که هر کس با اسلام مخالف است، باید برود. اسلام جای خود را در عالم باز کرده است و بازتر هم خواهد کرد. قبل از انقلاب شما، در بعضی از کشورهایی که امروز مردم آن، پرچم اسلام را بلند کرده‌اند، در ملا عام کسی جرأت نمی‌کرد بگوید من مسلمانم، یا اعمال مسلمانی را بجا بیاورد و نماز بخواند؛ اما امروز صدای تکبیرشان، فضای آن کشورها را انباشته است.

استکبار، چه بخواد و چه نخواهد؛ امریکا، چه بخواد و چه نخواهد؛ صهیونیسم، چه بخواد و چه نخواهد، اسلام از نو بیدار شده و این قهرمان عظیم قرن‌ها، دوباره در وسط صحنه بپا خاسته است. هیچ کاری هم از دست دشمنان اسلام ساخته نیست. اکثر کاری که می‌توانند بکنند، این است که از حقد و بغضشان، مسلمانان را در حریم امن الهی، به خاک و خون بکشند. بیشتر از این، چه کار می‌توانند بکنند؟ حداکثر کاری که می‌توانند بکنند، این است که ملتی را که امروز عاشقترین ملت‌های مسلمان به یاد و نام خداست، از زیارت خانه‌ی خدا مصدود و ممنوع کنند؛ کم‌این که کردند. بله، دل‌هایی ما به خاطر محرومیت از زیارت خانه‌ی خدا، پر است. قلب‌هایی ما شکسته و بغض، گلوی ما را گرفته است. اما همین عمل دشمنان اسلام و ایادی و مزدوران‌شان، باز به عظمت اسلام خواهد انجامید و مظلومیت ملت ایران، آشکارتر خواهد شد و همین مظلومیت است که حقانیت ما را ثابت می‌کند.

جای ایرانیان، در خانه‌ی خدا و در ایام حج خالی است؛ اما یاد آنها در مناسک حج، غایب نیست. آنهایی که چند سال قبل، شعار "الله اکبر" و برائت از مشرکان و وحدت امت اسلامی را از شما یاد گرفتند، امروز همان شعارها را تکرار می‌کنند. این، نقش ملت ایران است. این ملت باید روزبه‌روز، خودش و روحیه و قلب و اراده‌اش را قویتر بکند. این حوادث زلزله و امثال آن، می‌تواند وسیله‌ی تقویت اراده‌ی شما ملت بزرگ باشد.

من یک‌بار دیگر، به مصیبت‌دیدگان این حادثه‌ی عظیم زلزله، تسلیت عرض می‌کنم و از آنها می‌خواهم که صبر کنند، به خدا توکل کنند و پای خدا حساب نمایند. اگر صبر کردند، خدا به آنها پاداش و اجر بزرگ خواهد داد. شما مردم هم این کمک‌ها را به شکل اتم و اکمل ادامه بدهید و دولت جمهوری اسلامی، همچنان که بحمدالله تا امروز، در برنامه‌ریزی و امداد و سرعت عمل و سازماندهی، به شکل عالی عمل کرده است، بعد از این هم ان‌شاءالله به همین ترتیب عمل کند. مواظب باشید، شیطان‌هایی در این بین، در مناطق آسیب‌دیده وجود نداشته باشند که به انحای مختلف شیطنت کنند و در میان مردم، با رهنی و دزدی و ایذا و شماتت و تضعیف روحیه و امثال اینها، انواع مختلف خباثت خودشان را نشان بدهند. قوه‌ی محترم قضاییه آماده باشد، کسانی را که ممکن است در این مناطق، از مصیبت دیگران، برای خود طرفی ببندند، مجازات و تأدیب کند و نگذارد دست به چنین اقداماتی بزنند.



من از همهمي شما برادران و خواهراني که در اين جا تشریف داريد؛ بازماندگان شهيداي عالي قدر هفتم تير، بازماندگان شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان شهرهاي مختلف، برادراني که براي بزرگداشت ياد شهيداي مکه و جمعه ي خونين گرد هم آمده ايد، برادران سازمان تبليغات، برادران مسجد ابي ذر، برادران عزيز قوه ي قضاييه و بقيه ي جمعيتها و گروهها، تشکر مي کنم. اميدوارم که خدای متعال، همهمي شما را مشمول رحمت و تفضل و توفيقات خود قرار بدهد.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته